

پوسترهای ادوار جشنواره‌های فجر
به نمایش گذاشته شد



نمایشگاه پوسترهای ادوار جشنواره‌های فیلم، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی فجر در کوشک باغ هنر افتتاح شد. مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این آیین با اشاره به اینکه پوستر یکی از اقلام مهم و تاثیرگذار در هر رویداد هنری به شمار می‌آید، اظهار داشت: پوستر در حوزه تئاتر جایگاه ویژه‌ای دارد زیرا مخاطب برای اینکه جذب اثر شود، به المان نیاز دارد. در طول سال‌های اخیر در کنار تمام سیاست‌ها و نگرش‌هایی که نسبت به حوزه تئاتر وجود داشته، پوستر همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. کاظم نظری افزود: امروز شاهد هم‌نشینی و هم‌افزایی هنرهای مختلف در کنار هم هستیم و این اتفاق به واسطه ظرفیت پوستر رقم خورده است. لازم است از تعامل هنرها بیشتر بهره گرفته شود. کما اینکه پوستر در ایجاد جذابیت و شکل‌گیری دیدگاه زیبایی‌شناسانه مخاطب نسبت به جشنواره‌ها و رویدادهای هنری نقش موثری دارد و البته می‌تواند مبنای ارزشگذاری آن رویداد توسط مخاطبان هم قرار گیرد.

آغاز پخش سریال «سنجرخان»
از ۲۴ بهمن

سریال تاریخی «سنجرخان» به نویسندگی زنده‌یاد ضیاءالدین دری داستانی یکی از قهرمانان کرد است که «فرشید گویلی» بازیگر محلی کردزبان نقش اصلی آن را ایفا می‌کند.

محمود پاک‌نیت، احمد نجفی، جلیل فرجاد و پیام دهکردی از دیگر بازیگران این سریال تاریخی هستند. «سنجرخان» به تهیه‌کنندگی سعید جلالی و کارگردانی محمدحسین لطیفی در معاونت امور استان‌ها در ۲۶ قسمت تهیه و تولید شده است و پخش آن از شبکه یک سیما از هفته آینده آغاز خواهد شد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «وطن امروز» با بابک خواجه‌پاشا در آستانه اکران فیلم «آبی روشن» در جشنواره فیلم فجر

فیلمی درباره خانواده

ادامه از صفحه اول
■ در فیلم «آبی روشن» با اینکه هر کدام از شخصیت‌های قصه شاید در میزان اعتقادات دینی خود کم‌رنگ یا پررنگ هستند اما نمادهایی مذهبی در فیلم وجود داشت که به هر یک از اینها ربط می‌یافت. چقدر این هدف را در درام دنبال کرده بودید؟

هویت ایرانی با باورهایش تعریف می‌شود. مذهب و دین ما نیز عین هویت ما است و ایرانی با این هویت زیست می‌کند. تمام کاراکترهای «آبی روشن» نیز هویت ایرانی دارند و درجات مختلفی از باورمندی به دین و مذهب در تمام آنها نمود یافته است.

همکاری با سازمان هنری - رسانه‌ای اوج در این پروژه چه سواردی را به قصه اضافه و کم کرد. نوع نگاه‌تان چقدر به یکدیگر نزدیک بود؟

سبک زندگی مردم می‌پردازد.
■ در این سال‌ها سینمای ایران به سمت لوکیشن‌هایی غیر از تهران رفته و در فیلم قبلی هم همین ماجرا نمود داشت. این ماجرا دشواری‌های خود را در تولید دارد. ضمن اینکه مناسبات کاراکترها و بعضی موارد را به قصه اضافه می‌کند. در این پروژه این بعد چطور رقم خورد؟

باورم این است وقتی وارد اقلیمی دیگر می‌شویم و با فرهنگ‌های دیگر برخورد می‌کنیم، فیلم از کلیشه خارج می‌شود و به جذابیت‌های بصری می‌رسد. ایران ظرفیت این را دارد که هزاران شهرک و لوکیشن سینمایی در آن ساخته شود. وقتی وارد این مناطق می‌شویم، می‌توانیم از بازیگران بومی کمک بگیریم و به نظرم باید بیشتر روی این ویژگی در سینما کار کرد. اگر درام تطبیق ده از پایتخت دور باشیم، باید این کار را بکنیم. سختی بخشی از حرفه سینماست و اتفاقا هر چه با آن دست و پنجه نرم کنیم، خروجی کار بهتر خواهد بود.

■ سخن پایانی؟
یک سنگ تراش قطعاً علاوه بر داشتن تیشه یا هر ابزاری که بتواند سنگ را تراش بدهد، باید دارای احساساتی باشد که به سنگ شکل دهد و از درونش برتراود. داشتن ابزار صدا، دوربین و امکانات زیاد ما را تبدیل به فیلمساز نمی‌کند، ما در بیشتر فیلم‌ها و ژانرها بویژه زمانی که درگیر فناوری می‌شویم، از روابط جا می‌مانیم. زمانی یک فیلم جان دارد که به روابط و مناسبات کاراکترها توجه و فیلمنامه‌اش اصولی نوشته شود. حال هر قدر امکانات بهتر و پروداکشن قوی‌تری داشته باشیم می‌توانیم فیلم بهتری داشته باشیم. فیلم خوب باید ابتدا فیلمنامه صادقانه‌ای داشته باشد، خلاق و نو باشد و نگاهی غیر از کلیشه داشته باشد. امیدوارم در سینمای ما بیشتر به فیلمنامه‌ها و آثار درست و اصولی پرداخته شود.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با مسعود شریف، بازیگر نقش طیب‌حاج رضایی در فیلم «صبح اعدام»

متحیر تحول طیب



صبح همان روزی است که این ۲ نفر را از خواب بیدار می‌کنند می‌برند و اعدام می‌کنند و در روایت متوجه می‌شویم این ۲ نفر را بی‌دلیل اعدام می‌کنند. فقط به خاطر اینکه به اینها گفته بودند کاری که ما می‌گوییم را انجام بدهید و اینها هم انجام نداده بودند.

■ کوتاه، اصطلاحا دوخطی کار را برای مخاطب توضیح بدهید.

دوخطی کار این است که ساواک از این ۲ نفر می‌خواهد همه جا اعلام کند و بگویند امام به شما پول داده تا امام را اعدام کنید اما اینها نمی‌پذیرند و می‌گویند ما با اولاد پیامبر درمی‌افتیم و دروغ نمی‌گوییم و چون این کار را نمی‌کنند، آنها را اعدام می‌کنند. ضمن اینکه در آن زمان بسیاری از گنده‌لات‌ها مثل طیب را از بین می‌بردند.

■ چه شد شما این نقش را پذیرفتید؟

واقعیت این است که به هر کسی غیر از من هم این نقش را می‌دادند با کمال میل قبول می‌کرد. اعتقاد دارم خیلی از نقش‌ها را خواندن قسمت آدم می‌کند؛ کسی جای کس دیگر را در سینما نمی‌تواند بگیرد و هر کسی سرنوشت خودش را دارد.

■ قبل از اینکه این نقش را قبول کنی، در مورد طیب حاج‌رضایی پژوهش و تحقیق کرده بودی؟

بله! خیلی زیاد.

■ از شخصیت ایشان برای‌مان بگویید.

طیب حاج‌رضایی در محله صابون‌پزخانه که یکی از محله‌های قدیمی تهران بود، زندگی می‌کرد. پدرش با فقر و بیچارگی او را بزرگ می‌کند. او یکی از گنده‌لات‌های تهران بود که در کودتای ۲۸ مرداد شاه را بازمی‌گرداند و مصدق را زمین می‌زنند. هر چه سن و سالش بالاتر می‌رود، متحول می‌شود و کم‌کم به سمت سروی حسینی‌هداری و مسجد رو می‌آورد و عشق امام حسین (ع) در وجودش شکل می‌گیرد. با آیت‌الله کاشانی و چند آیت‌الله دیگر هم رفت و آمدهایی داشت که به مرور مسیر زندگی‌اش عوض می‌شود و دست از لات‌بازی و حاشیه‌سازی برمی‌دارد. حتی جلوی کسانی که ظالم بودند و به مظلوم‌ها و دیگران ظلم می‌کردند، می‌ایستاد و حق‌شان را می‌گرفت، در صورتی که قبل از این چنین آدمی نبود. در جایی امام به ایشان لقب «حر» را می‌دهند. حتی به او می‌گویند عکس‌های امام را از بسین ببر اما قبول نمی‌کند و می‌گوید من با عکس اولاد پیامبر این کار را نمی‌کنم.

■ جشنواره فیلم فجر امسال را چطور دیدید؟

تا به حال سابقه شرکت در جشنواره فیلم را نداشتم ولی چندین بار در جشنواره تئاتر و جشنواره بین‌المللی تئاتر شرکت کرده‌ام. این برای اولین بار است.

■ جشنواره فیلم فجر امسال را چطور دیدید؟

تا به حال سابقه شرکت در جشنواره فیلم را نداشتم ولی چندین بار در جشنواره تئاتر و جشنواره بین‌المللی تئاتر شرکت کرده‌ام. این برای اولین بار است.

■ آیا معتقدید باید به سمت کشف استعدادها برویم؟

بله! اما سال‌خورده‌ها هم باید حضور داشته باشند، زیرا وجودشان نعمت است. باید رودریاستی‌ها را در تئاتر، تلویزیون و سینما کنار بگذاریم، بویژه بازیگری که تیر آخر یک گروه است. باید کشف و تربیت کنیم و حواس‌مان باشد بازیگرانی که لیاقت دارند، ورود کنند.

■ آیا این اولین اثر حرفه‌ای سینمایی شما در سلف‌الف است؟

بله!

■ مسعود شریف را در بین آثار سودای سیمرغ و جشنواره فجر چهل‌ودوم چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

پشیمنه کار بنده کمتر از دوستان نیست. به اندازه خودم زحمت کشیده و کار کرده‌ام. با وجود اساتیدی که داشتیم با سختی در این حرفه رشد کردم؛ نتوانستم دانشگاه بروم، آموزشگاه بروم و ارتباطات آنجانی داشته باشم و به نظرم همه اینها قابل ارزیابی است ولی ما باید کار بازیگر را ارزیابی کنیم نه سابقه‌اش را.

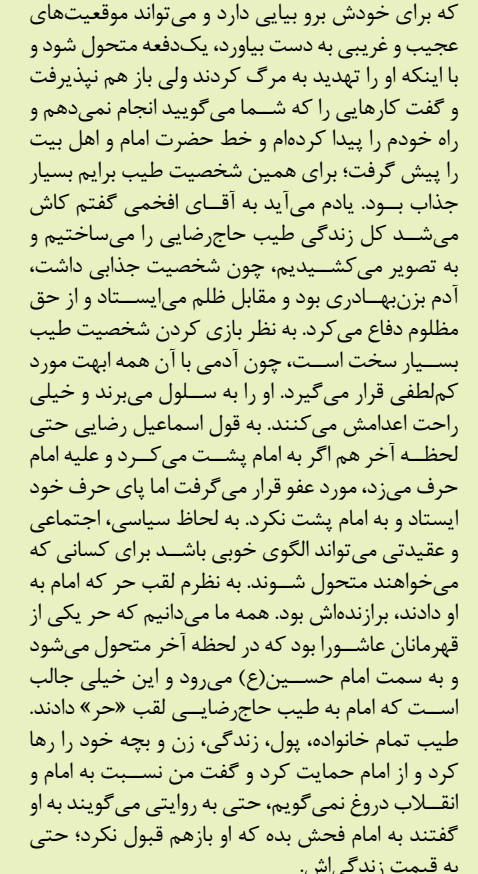
■ برای شما آرزوی موفقیت دارم و حرف آخر...

سال‌ها پیش به نیت ۵ تن آل عبا یک ۵ تن برای خودم انتخاب کردم؛ پدرم، مادرم، همسرم و ۲ فرزندم. مناسفانه پدرم در قید حیات نیست اما خیلی دلم می‌خواست این ۵ تن زندگی‌ام بودند و این لحظات شیرین را می‌دیدند. از همه دوستانی که پیام‌های خوب برام می‌فرستند سپاسگزارم و باید بگویم این پیام‌ها به اندازه یک سیمرغ برایم ارزشمند است، بویژه مردم استان کهگیلویه و بویراحمد که از نزدیک با آنها زندگی کردم و سر سفره‌شان نشستم و بسیار زیاد به من لطف دارند و اگر اتفاقی بیفتد و برنده سیمرغ شوم، تقدیم خانواده عزیز و مردم خوب استان کهگیلویه و بویراحمد می‌کنم.

همچنین چیزی که در مورد فیلم «صبح اعدام» می‌خواستم بگویم این است که پایه و اساس یک فیلم، متن آن است. بنده بر اساس این متن و دریافت‌هایی که از آن دارم، با راهنمایی‌های کارگردان به سمت ایفای نقش می‌روم تا آن شخصیت را خلق کنم. گاهی مشکلات رفتن به سمت شخصیت، جذابیت کار را برای ما بیشتر می‌کند و ما متوجه می‌شویم اگر نظر تماشاگر را به سمت دوستان جلب کنیم، موفقیت حاصل می‌شود، لذا انطور که من شنیدم بازی‌های این کار خوب بوده و مورد پسند واقع شده است. بنده، ارسطو، آوری، فتحعلی‌بیگی، پوریا منجزی و دیگر دوستان که کنار هم کار می‌کردیم، یکدست بودیم و می‌دانستیم اتفاقی را رقم می‌زنیم که شاید از عهده‌های بر نمی‌آید یا خارج است یا اینکه مشکل است، لذا برای خود ما هم بسیار سخت و چالش‌برانگیز بود، چون ضمن اینکه متن را خوانده بودم، به شخصه سعی داشتم راجع به این موضوع تحقیق کنم تا خودم را به لحاظ ذهنی بهتر برای این نقش آماده کنم.

چیزی غیر از بحث اعتقادی برام در این کار شاخص بود، بحث تحول بود؛ مثل طیب که آشنایی با اسماعیل رضایی و دستنگاه امام حسین (ع) باعث تحولش شد و این برایم خیلی مهم بود. یکی از چیزهایی که خیلی به آن فکر می‌کردم، این بود که طیب متحول شده، حالا به هر دلیلی و حتی این می‌تواند سمبل خوبی برای جامعه باشد؛ چه برای کسانی که به دنبال آزادی و مسائل سیاسی هستند، چه کسانی که درگیر مسائل شخصی هستند؛ این می‌تواند نمادی برای تحول باشد. آدمی که برای خودش برو بیایی دارد و می‌تواند موقعیت‌های عجیب و غریبی به دست بیاورد، یک‌دفعه متحول شود و با اینکه او را تهدید به مرگ کردند ولی باز هم نپذیرفت و گفت کارهایی را که شما می‌گویید انجام نمی‌دهم و راه خودم را پیدا کرده‌ام و خط حضرت امام و اهل بیت را پیش گرفت؛ برای همین شخصیت طیب برایم بسیار جذاب بود. یادم می‌آید به آقای افخمی گفتیم کاش می‌شد کل زندگی طیب حاج‌رضایی را می‌ساختیم و به تصویر می‌کشیدیم، چون شخصیت جذابی داشت، آدم بزبن‌بهداردی بود و مقابل ظلم می‌ایستاد، با حق مظلوم دفاع می‌کرد. به نظر بازی کردن شخصیت طیب بسیار سخت است، چون آدمی با آن همه اهت مورد کم‌لطفی قرار می‌گیرد. او را به سلول می‌برند و خیلی راحت اعدامش می‌کنند. به قول اسماعیل رضایی حتی لحظه آخر هم اگر به امام پشت می‌کرد و علیه امام حرف می‌زد، مورد عفو قرار می‌گرفت اما پای حرف خود ایستاد و به امام پشت نکرد. به لحاظ سیاسی، اجتماعی و عقیدتی می‌تواند الگوی خوبی باشد برای کسانی که می‌خواهند متحول شوند. به نظرم لقب حر که امام به او دادند، برانده‌اش بود. همه ما می‌دانیم که حر یکی از قهرمانان عاشوراء بود که در لحظه آخر متحول می‌شود و به سمت امام حسین (ع) می‌رود و این خیلی جالب است که امام به طیب حاج‌رضایی لقب «حر» دادند. طیب تمام خانواده، پول، زندگی، زن و بچه خود را رها کرد و از امام حمایت کرد و گفت من نسبت به امام و انقلاب دروغ نمی‌گویم، حتی به روایتی می‌گویند به او گفتند به امام فحش بده که او بازمه قبول نکرد؛ حتی به قیمت زندگی‌اش.

نمی‌دانم ما در پیاده کردن این نقش چقدر موفق بودیم؛ قضاوتش با کسانی که این فیلم را می‌بینند، از همین‌جا دوباره از آقای افخمی بابت اعتماد به خودم تشکر می‌کنم. کار با ایشان برایم بسیار لذت‌بخش بود. ایشان آدم بسیار باشرف و با شخصیتی است. به بازیگران خیلی کمک می‌کند و پیگیر است. امیدوارم در جشنواره فجر همه کارها دیده شود. امیدوارم منتقدان عزیز درباره بازیگری هم صحبت کنند، چون کمتر دیده شده که صحبتی در مورد بازیگر شود و امیدوارم بازی بنده هم مورد پسند قرار بگیرد.



باز می‌بیند و از آنجایی که ما می‌دانیم که هر یکی از قهرمانان عاشوراء بود که در لحظه آخر متحول می‌شود و به سمت امام حسین (ع) می‌رود و این خیلی جالب است که امام به طیب حاج‌رضایی لقب «حر» دادند. طیب تمام خانواده، پول، زندگی، زن و بچه خود را رها کرد و از امام حمایت کرد و گفت من نسبت به امام و انقلاب دروغ نمی‌گویم، حتی به روایتی می‌گویند به او گفتند به امام فحش بده که او بازمه قبول نکرد؛ حتی به قیمت زندگی‌اش.

نمی‌دانم ما در پیاده کردن این نقش چقدر موفق بودیم؛ قضاوتش با کسانی که این فیلم را می‌بینند، از همین‌جا دوباره از آقای افخمی بابت اعتماد به خودم تشکر می‌کنم. کار با ایشان برایم بسیار لذت‌بخش بود. ایشان آدم بسیار باشرف و با شخصیتی است. به بازیگران خیلی کمک می‌کند و پیگیر است. امیدوارم در جشنواره فجر همه کارها دیده شود. امیدوارم منتقدان عزیز درباره بازیگری هم صحبت کنند، چون کمتر دیده شده که صحبتی در مورد بازیگر شود و امیدوارم بازی بنده هم مورد پسند قرار بگیرد.